صاحب خبر

رونق چاپ کتاب‌های ادبی در اردیبهشت‌ماه

خانه کتاب و ادبیات ایران

کتاب‌های حوزه ادبیات بیشترین سهم را در میان کتاب‌های تألیف و ترجمه‌ای که اردیبهشت ماه امسال به چاپ رسید، به خود اختصاص داده است. بر پایه گزارش خانه کتاب و ادبیات ایران، در دومین ماه بهار، هزار و ۴۰۵ ناشر کشور ۱۰ هزار و ۱۷۶ عنوان کتاب را روانه بازار نشر کرده‌اند. از آن میان، ۷ هزار و ۲۲۳ عنوان کتاب تألیف و ۲ هزار و ۹۵۳ عنوان کتاب ترجمه بوده است. همچنین بیشترین آثار تألیفی این ماه در رده موضوع‌های کمک درسی، ادبیات، علوم اجتماعی، کودک و نوجوان، دین قرار می‌گیرد و بیشترین آثار ترجمه‌ای به موضوع‌های کودک و نوجوان، ادبیات، علوم عملی، فلسفه، روان‌شناسی، علوم اجتماعی اختصاص پیدا کرده است. روی هم رفته، در دومین ماه بهار ۱۴۰۲ بیشترین کتاب‌ها با موضوع‌های ادبیات، کمک درسی، کودک و نوجوان، علوم اجتماعی منتشر شده و موضوع‌های ادبیات، علوم اجتماعی، علوم عملی، کودک و نوجوان، کمک درسی در فهرست بیشترین کتاب‌های چاپ اول قرار گرفته است. شمارگان کل کتاب‌های منتشرشده در اردیبهشت‌ماه به ۸ میلیون و ۷۳۲ هزار و ۶۲۵ نسخه و میانگین شمارگان به ۸۵۸ نسخه رسیده است. بیشترین شمارگان کل کتاب‌ها به موضوع‌های کودک و نوجوان، کمک درسی، ادبیات، علوم اجتماعی، دین تعلق گرفته است و موضوع‌های کودک و نوجوان، کمک درسی، علوم طبیعی، ریاضیات، تاریخ، جغرافیا، دین به ترتیب بیشترین میانگین شمارگان کتاب‌ها را در این ماه به نام خود ثبت کرده است.

ترویج زبان فارسی از ارمنستان تا هندوستان

بنیاد سعدی

معاون بین‌الملل بنیاد سعدی از فراهم ساختن کتاب درسی مدرسه‌ای برای مدارس کشورهای ارمنستان، گرجستان، قرقیزستان و برخی مدارس لبنان که در آن فارسی تدریس می‌شود، خبر داد. شهروز فلاحت پیشه در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم، درباره فعالیت‌های بنیاد سعدی طی عمر ۱۰ ساله‌اش برای گسترش بیشتر دایره نفوذ فارسی در جهان توضیحاتی داد. او در بخشی از این سخنان اظهار کرد: بنیاد سعدی علاوه بر تولید منابع برای آموزشگاه‌های زبان فارسی، برای مدارسی که فارسی زبان دوم و اجباری‌شان است یا زبان سوم و چهارم اختیاری است نیز منابع تولید کرده است، اکنون به‌شکل ویژه در کشور ارمنستان، گرجستان، قرقیزستان و برخی مدارس لبنان، فارسی تدریس می‌شود و ما برای این مدارس کتاب درسی مدرسه‌ای تهیه کردیم که با کتاب‌های آموزشگاهی متفاوت است، مثلاً چهارسال درس زبان فارسی در دبیرستان می‌خوانند که ما برای سال اول، دوم، سوم، چهارم کتاب‌های درسی مدرسه‌ای تهیه کردیم، همچنین کتاب «شیراز» برای کشورهای عربی تألیف شده است. او ادامه داد: در هندوستان، دولت با بازبینی برنامه آموزش مدارس برای سند ۲۰۲۰، آموزش زبان فارسی را به‌عنوان یکی از ۱۰ زبان کلاسیک با امکان تدریس در مدارس هندوستان مصوب کرده است. دولت هندوستان متعاقب تصویب این برنامه با طرف ایرانی تماس گرفته و درخواست کرده است که کتاب‌های مربوط به آزمون زبان فارسی در مدارس را تهیه کنیم که به‌واسطه سفارت و وزارت آموزش و پرورش این موضوع به بنیاد سعدی منتقل شد. در این راستا اولین کتاب پایه اول آموزش زبان فارسی به‌نام «طوطی» تألیف و چاپ شده است. این کتاب در چهار شماره برای چهارپایه نخست تألیف شده است، از این میان طوطی یک در هندوستان چاپ شده است. معاون بین‌الملل بنیاد سعدی بیان کرد: ما در هندوستان مرکز تحقیقات زبان فارسی را داریم که به‌شکل ویژه بر حوزه زبان فارسی متمرکز است. نماینده ما در آنجا مستقر و مشغول مذاکره با نهادهای مرتبط در آموزش و پرورش است تا کتاب‌های طوطی را وارد سیستم نظام آموزش و پرورش مدارسی کنیم که زبان فارسی را در دستورکار قرار داده‌اند. این یک اتفاق مهم است. فلاحت‌پیشه همچنین با اشاره به فضای رو به بهبود روابط سیاسی ما با حوزه کشورهای عربی تصریح کرد: نمایندگی بنیاد سعدی در مصر بالغ بر ۴۰۰ دانشجوی مصری دارد که فارسی از راه دور را به‌شیوه مجازی یاد گرفته‌اند. بالغ بر بیست دانشگاه نیز در آن کشور کرسی زبان فارسی دارند. باز شدن فضای مجازی و علاقه تاریخی مصری‌ها به ایران موجب شده است که استقبال دانشجویان از آموزش زبان فارسی بسیار خوب باشد و درخواست‌هایی برای بیشتر شدن آن نیز وجود دارد.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس و ویراستار

ناویراسته ✗

مرکز دیسپاچینگ (راهبری) برق شمالغرب کشور با اعتبار هزینه‌شده ۱۳۰ میلیارد تومان امروز در دومین روز از سفر استانی رئیس جمهور به آذربایجان شرقی به بهره‌برداری رسید.

ویراسته ✓

مرکز راهبری (دیسپاچینگ) برق شمال‌غرب کشور با اعتبار هزینه‌شده ۱۳۰ میلیارد تومان در دومین روز از سفر استانی رئیس جمهور به آذربایجان شرقی به بهره‌برداری رسید.

نکته

در چنین مواردی بهتر است اولویت را به واژه جایگزین فارسی بدهیم و واژه غیرفارسی را در پرانتز بنویسیم.

#زین_قند_پارسی

رضا امیرخانی در جمع علاقه‌مندان مشهدی فرهنگ و ادب:

کار نویسنده پیدا کردن سؤالات تازه است

عکس: محسن بخشنده، شهرآرا

محبی

گزارش

«اینکه انتظار داشته باشیم نویسنده و شاعر مثل سازمان برنامه و بودجه راهکار بدهند واقعا انتظار درستی نیست، اما این انتظار را می‌توان داشت که این قشر یک سؤال را به بهترین شکل دوباره بتواند مطرح کند.» نکته‌ای که رضا امیرخانی در جمع کتاب‌خوان‌ها و اهالی فرهنگ و ادب مشهد بیان کرد، نکته مهمی است که بسیاری از آن غافل‌اند. این رمان‌نویس با گفتن آنچه در آغاز این گزارش آمد، به مسئله درست و درخور درنگی اشاره کرد؛ اینکه کار هنرمند و نویسنده و شاعر چیزی است و کار مسئولان چیز دیگر. صحبت‌های امیرخانی در مشهد و در دورهمی که البته چندان شمایل یک جلسه رسمی را نداشت، بیشتر محفلی بود برای یک گردهمایی دوستانه با چاشنی نوشتن. برنامه یادشده با حضور اهالی فرهنگ مشهد روز پنجشنبه برگزار شد.

باید سؤالات را به بهترین شکل دوباره مطرح کنیم

امیرخانی در ابتدای این جلسه درباره فضاهای فرهنگی تصریح کرد: این مکان‌ها یک فضای بین الاذهانی می‌سازد و امروزه اگر چیزی بخواهد ساخته شود در همین فضاها شکل می‌گیرد. پیش از این هم همین بوده، البته سن کم ما اجازه نمی‌داد متوجه این نکته بشویم. این فضا در خلوت ما شکل نمی‌گیرد. در جایی شکل می‌گیرد که آدم‌های رنگ‌به‌رنگ و گوناگون وجود دارند. این فضاهای عمومی که امیدوارم در جاهای دیگری هم وجود داشته باشد و فقط در کافه‌ها دنبالش نگردیم، کمک می‌کند تا ما زنده بمانیم و بفهمیم عده‌ای هم هستند که با حرف‌های پیشین ما ارتباطی نمی‌گیرند و ما باید بتوانیم به آن سؤال‌های جدیدی که شکل می‌گیرد پاسخ بدهیم. درواقع ما هیچ کاری نداریم جز اینکه بتوانیم سؤال جدید پیدا کنیم. اینکه انتظار داشته باشیم نویسنده و شاعر مثل سازمان برنامه و بودجه راهکار بدهند واقعا انتظار درستی نیست، اما این انتظار را می‌توان داشت که این قشر یک سؤال را به بهترین شکل دوباره بتواند مطرح کند. طرح دوباره این سؤال یعنی ارتباط و همین فضای بین الاذهانی که به نظر می‌آید دوروبرمان کم است.

نویسنده رمان‌های «من او» و «بیوتن» همچنین گفت: رمان و شعر می‌تواند ماندگاری ادبی داشته باشد اما چیزی مثل مقاله را اگر مردم دوباره بخوانند و دوباره خوششان بیاید به شدت نگران‌کننده است. این نشان می‌دهد سؤالات جامعه جلو نرفته است. یکی از عللی که جامعه ما در مسائل فرهنگی رشد نمی‌کند، گاهی همین است که گفت‌وگو، به معنای رفت و برگشت صدا، شکل نمی‌گیرد.

شاعری به نمایندگی از چند نسل مهاجران

امیرخانی در بخشی از صحبت‌هایش با بیان اینکه باید بتوانیم در گفت‌وگوهای اجتماعی به‌روز بمانیم، از محمدکاظم کاظمی به عنوان شاعری یاد کرد که زحمات زیادی را برای تعامل ایرانی‌ها و مهاجران تقبل کرده است.

او گفت: کاظمی در یک دوره مهاجران افغانستانی را با یک مثنوی وزن بلند که همان «پیاده آمده بودم...» است، نمایندگی کرد، به نحوی که ما سال‌ها با این مثنوی می‌توانستیم حس و روح مهاجران افغانستانی ایران را کاملا درک کنیم. این یک اتفاق خیلی مهم بود. حالا فکر می‌کنم این دوره گذشته و ما به نسل دو و سه مهاجران افغانستانی رسیده‌ایم که داخل ایران بوده و نیاز داشته‌اند با جامعه میزبان تعامل کنند. همه ما منتظر شعر و شاعر جدیدی بودیم یا مدیوم جدیدی، که کاظمی دوباره با «شمشیر روی نقشه جغرافیا دوید» توانست روح جدید مهاجران افغانستانی در ایران را نمایندگی کند که کار مهم اما سختی است.

نویسنده کتاب «جانستان کابلستان: روایت سفر به افغانستان» ادامه داد: پیدا کردن شخصیتی که بتواند امروز این کار را بکند و این نمایندگی را انجام دهد مشکل است و من تمام تلاشم این است که بتوانم در کار تازه‌ام، چنین شخصیتی را دوباره بسازم، شخصیتی که امروزی باشد و جوان‌ترها باورش کنند. حقیقت این است که چنین هدفی فقط با تحقیق و پیدا کردن کلمه‌ها میسر نیست.

نویسنده باید وارد صنعت نشر شود

امیرخانی در ادامه، صحبت‌هایی را درباره نکات مهمی به زبان آورد که نویسنده باید رعایت کند. او گفت: واقعیت این است که فقط بخشی از نویسندگی به ذوق و خلاقیت مربوط است. قسمت مهم‌تر داستان‌سازوکار صنعت نشر است. نویسنده از نظر من کسی نیست که بهترین قصه را می‌نویسد. نویسنده کسی است که در صنعت نشر زندگی می‌کند. حرفی که می‌زنم شاید دلسردکننده است، اما از نظر من نویسنده کسی است که تلاش می‌کند وارد صنعت نشر شود. ورود نویسنده به صنعت نشر یک قسمت حرفه‌ای، تلخ، سخت و پردردسر ماجراست و این فقط به قدرت ادبی ارتباط ندارد. شناخت ساز و کارهای صنعت نشر و زیست بوم این صنعت مهم است، به این معنا که شما باید وضعیت بازار نشر و کتاب و چنین فاکتورهایی را بدانید. نویسنده باید این مؤلفه‌ها را بشناسد تا رشد کند. این نکته را از من قبول کنید که ما در این قسمت‌ها ضعفمان بیشتر است؛ یعنی در ارتباط نویسنده جوان با ناشر و مجلات و اگر در دنیا بودیم، با آژانس‌های ادبی. نویسنده جوان ما فکر می‌کند این فاکتورها یا عواملی مثل سواد حقوقی بستن قرارداد یا سواد مالی گرفتن حق التألیف اهمیتی ندارد. ضمن اینکه نباید فراموش کنیم صنعت نشر یک صنعت ستاره‌ساز است و ما با ۱۰، ۲۰ نویسنده برتر سروکار داریم. پس یک نویسنده همچنین باید بداند که وقتی یک کتاب چاپ می‌کند، چند سال طول می‌کشد تا کار اولش دیده شود. باید صبر کند و این یک صبر حرفه‌ای است. البته نباید انتظار داشت که آدم‌ها وقتی سنشان بالا می‌رود، همان روحیه و خلاقیت پیشین را داشته باشند. باید نسل جدید بیاید و آدم‌ها جایشان را عوض کنند.

> **واقعیت این است که فقط بخشی از نویسندگی به ذوق و خلاقیت مربوط است. قسمت مهم‌تر داستان سازوکار صنعت نشر است. نویسنده از نظر من کسی نیست که بهترین قصه را می‌نویسد. نویسنده کسی است که در صنعت نشر زندگی می‌کند. ورود نویسنده به صنعت نشر یک قسمت حرفه‌ای، تلخ، سخت و پردردسر ماجراست و این فقط به قدرت ادبی ارتباط ندارد.**

جوان‌های امروزی در رمان تازه امیرخانی

امیرخانی توضیحاتی نیز درباره کار جدیدش ارائه کرد: یک رمان در دست دارم که فضای آن در بین جوان‌های امروزی می‌چرخد. موضوعش ادبیات توسعه است. یعنی اینکه وقتی می‌گوییم قرار است این کشور را بسازیم، این چیزی است که می‌توانیم با عقاید و نگاه‌های مختلف جمع شویم و درباره‌اش با هم گفت‌وگو کنیم. اما امروز مسئله مهم‌تر از این نگاه مشترک این است که از خودمان بپرسیم آیا این نگاه مشترک رو به آینده است و آیا می‌تواند برای نسل امروز جواب بدهد؟

گفت‌وگو با نسل بعد درباره آینده مشترک

«بزرگ‌ترین مشکلی که امروز در کشورم می‌بینم این است که نمی‌توانیم درباره یک آینده مشترک با یکدیگر صحبت کنیم. به ویژه با نسل‌های بعدی.» این نکته‌ای بود که امیرخانی در بخشی دیگر از صحبت‌هایش به آن اشاره کرد و گفت: تمام تلاش ما این است که با نسل‌های بعد حرف بزنیم تا بتوانیم درباره آینده صحبت کنیم. به نظر من، کشور به یک تغییر نسل واقعی احتیاج دارد که بتواند با سؤال‌های نو از ایران و جهان روبه‌رو شود. تصورم این است که وظیفه هر آدمی که می‌خواهد کار فکری کند بیان حقیقت مکتوم است. بیان حقیقتی که کسی نمی‌گویدش.

درس‌های نویسندگی هاروکی موراکامی در کتاب «داستان‌نویسی به مثابه شغل»

استعداد کم و سماجت بسیار

نوبرانه

خادم| هاروکی موراکامی آن قدر نویسنده نامداری هست که چندین سال پیاپی نامش در گمانه زنی‌ها درباره برندگان نوبل بیاید. و آن قدر مخاطب و هوادار دارد که برای خرید کتاب تازه‌اش در روز رونمایی صف‌های طویل ببندند و تاکنون میلیون‌ها نسخه از آثارش که به بیش از ۵۰ زبان ترجمه شده به فروش برسد. رمان‌نویسی که حدود چهل سال بی‌وقفه نوشته و موفق هم بوده است، درباره فوت‌وفن نوشتن هم حرف‌هایی دارد که شاید جذابیتش برای اهلش کمتر از خواندن رمان‌هایش نباشد. «داستان‌نویسی به مثابه شغل» کتابی است که موراکامی حرف‌هایش را درباره نوشتن و داستان‌نویسی و نویسندگی در آن زده است. سیدآیت حسینی، مترجم کتاب، در مقدمه‌اش بر این اثر نوشته است که موراکامی «در کتاب حاضر، برای نخستین بار، درباره نگاهش به داستان‌نویسی و نیز درباره فرایند داستان‌نویسی خودش به صراحت و به تفصیل سخن می‌گوید. پرسش‌های اصلی که موراکامی در این کتاب می‌کوشد به آن پاسخ دهد این است که چگونه می‌توان داستان نوشت و چگونه می‌توان داستان‌نویس حرفه‌ای شد و در این شغل دوام آورد. او برای پاسخ به این پرسش، با ذکر تجربه‌ها و خاطرات خود، ویژگی‌های لازم برای داستان‌نویس شدن را برمی‌شمارد و از نحوه کسب آمادگی روحی و جسمی برای این کار می‌گوید.»

اما پاسخ به این سؤال را که چرا موراکامی دست به نوشتن این کتاب زده، خودش در پیش‌گفتار داده است: «از مدت‌ها پیش قصد داشتم درباره نوشتن داستان و مسئله تداوم کار داستان‌نویسی چیزهایی بنویسم. به همین دلیل، هر بار که در بین کارها فرصتی دست می‌داد، اندک اندک در این باره مطالبی با موضوع‌های مختلف می‌نوشتم. یعنی شروع این کتاب با سفارش ناشر نبوده است، بلکه نوشتن آن را از ابتدا به صورت خودجوش و در حقیقت، برای خودم شروع کردم.»

این نویسنده منضبط ژاپنی سبک زندگی خاص خودش را دارد که مانند یک آیین به آن وفادار است؛ دویدن، نوشتن، شنیدن موسیقی جاز، خوابیدن رأس ساعت ۹ شب بخش‌های اصلی زندگی معمول او را تشکیل می‌دهند. هر روز، بدون تعطیلی، مسافتی را می‌دود و سالی یک بار در مسابقات ماراتن شرکت می‌کند، روزی چهار پنج ساعت با کامپیوتر می‌نویسد و به همین حد بسنده می‌کند، جاز هم سبک موسیقی مورد علاقه‌اش است. او آدم گوشه‌گیری است که چندان در فضای عمومی دیده نمی‌شود و بیشتر دعوت‌نامه‌هایی را که برایش می‌رسد مؤدبانه رد می‌کند. او مؤمن است به سبک زندگی خودش و قصد تغییر آن را هم نداشته و گویا ندارد.

حالا نویسنده‌ای با چنین شکل مشخصی از زندگی چه توصیه‌ای می‌تواند برای علاقه‌مندان به نویسندگی داشته باشد؟ و چه بگوید که حسب حال‌نویسی نباشد؟ او می‌گوید هدف اصلی‌اش از نگارش این کتاب نوشتن زندگی‌نامه خودنوشت نبوده «بلکه غرض آن بود که تا حد امکان به شکلی عینی و ملموس توضیح دهم که به عنوان داستان‌نویس چه مسیری را طی کرده‌ام و در این مسیر چه افکاری در سرم بوده است. با این حال، چون داستان‌نویسی به یک معنا «بیان کردن خود» است، هر متنی که درباره داستان‌نویسی باشد، به‌نوعی به‌حسب‌حال هم بی‌شباهت نخواهد بود.» البته اذعان می‌کند که داستان‌نویسی نیز شیوه‌ای شخصی است و می‌تواند به تعداد نویسندگان، گوناگون هم باشد و نمی‌شود یک شیوه خاص را تماما تعمیم داد یا به عنوان نسخه برای همگان تجویز کرد. البته شاید بخش‌هایی از آن به کار کسانی بیاید و امکان تعمیم داشته باشد. «داستان‌نویسی به مثابه یک شغل» گوشه‌هایی از تجربه ۳۵ ساله موراکامی است (این کتاب برای نخستین بار سال ۲۰۱۶ در ژاپن منتشر شد). در واقع با این اثر به ذهن نویسنده نگاه می‌کنیم و برخی پاسخ‌ها را می‌گیریم، مانند اینکه چه چیز جهان مرموز موراکامی را می‌سازد و او ایده‌هایش را از کجا می‌آورد؟

البته نباید انتظار کشف مردی عجیب‌غریب را داشت. او خود اعتقاد دارد انسانی کاملا عادی است و اندک استعدادی در نویسندگی دارد و سماجت ذاتی بسیار و ترکیب همین استعداد کم و سماجت بسیار باعث شده است که این همه سال دوام بیاورد. و البته خودش هم متحیر است از دوام آوردنش به عنوان یک نویسنده حرفه‌ای: «آنچه می‌خواهم در این کتاب بگویم، در حقیقت، شرح این حیرت و شرح تلاشم (یا عزمم) برای زنده نگه داشتن و حفظ کردن این حیرت در ناب‌ترین شکل آن است. شاید بتوان تمام زندگی من در این ۳۵ سال را فعالیتی پرشور برای تداوم این حیرت دانست.» وقتی صحبت از عزم و سماجت باشد، همسایه‌های موراکامی احتمالا بهترین کسانی هستند که می‌توانند بر آن شهادت دهند؛ وقتی هر روز خدا مرد خُردجثه ژاپنی را می‌بینند که در حال دویدن است. لحن اثر هم صمیمانه و خودمانی است. موراکامی درباره انتخاب این لحن گفته که سالن کوچکی را فرض کرده با جمعیتی سی چهل نفره که برای آن‌ها سخنرانی می‌کند. کتاب علاوه بر مقدمه مترجم و پیش‌گفتار نویسنده، دوازده فصل دارد که شش فصل آن پیش از چاپ شدن در این کتاب در مجله مانکی ژاپن منتشر شده، پنج فصل برای نخستین بار در کتاب آمده، یک سخنرانی هم فصل دوازدهم و پایانی کتاب است. عنوان فصل‌های کتاب عبارت‌اند از «آیا داستان‌نویس‌ها آدم‌های سخاوتمندی هستند؟»، «وقتی که داستان‌نویس شدم»، «درباره جوایز ادبی»، «درباره اصالت»، «حالا چه بنویسیم؟»، «زمان را یار خود کردن، نوشتن رمان»، «داستان‌نویسی فعالیتی کاملا شخصی و بدنی»، «درباره مدرسه»، «چه شخصیت‌هایی خلق کنیم؟»، «برای چه کسی بنویسیم؟»، «گذشتن از مرزها؛ قلمروهای جدید»، «جایی که قصه هست؛ یادی از استاد هایائو کاوایی». این کتاب را سیدآیت حسینی از ژاپنی به فارسی برگردانده و نشر پرنده آن را در زمستان ۱۴۰۰ منتشر کرده است. البته مهدی غبرایی نیز همین کتاب را با عنوان «حرفه رمان‌نویس» به فارسی برگردانده و نشر نیلوفر مدتی پیش آن را روانه بازار کرده است.

***تمام جملات در گیومه از کتاب «داستان‌نویسی به مثابه شغل» است.**